



**اصغر فرهادی**  
**در میان داوران ترابیکا**

فستیوال ترابیکا که هر ساله در نیویورک برگزار می شود، امسال از اصغر فرهادی، کارگردان ایرانی برگزیده اسکار برای داوری در بخش بین الملل این فستیوال دعوت کرده است. ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت، اصغر فرهادی به همراه سلما بلر، کیم کانرال و فرانچسکا اسکورسیزی فیلم های بخش بین الملل این جشنواره را داوری می کنند. همچنین دیوید اراسل، داور بخش فیلم های بلند داستانی این فستیوال خواهد بود. فستیوال ترابیکا که در سال ۲۰۰۲ توسط رابرت دنبروو چین رنتال تأسیس شد، در ماه ژوئن در منهنن نیویورک برگزار خواهد شد. فرهادی با فیلم «در باره الی» در سال ۲۰۰۹ جایزه بهترین فیلم فستیوال ترابیکا را دریافت کرده بود. فیلم ها، پروژه ها، فیلمسازان، داستان نویسان و بازیگران برنده هر بخش در مراسم ویژه جشنواره ترابیکا ۱۳ ژوئن اعلام می شوند. این جشنواره که در ۱۷ بخش رقابتی برندگان را انتخاب می کند از ۱۶ تا ۱۶ ژوئن (۱۶ تا ۲۷ خرداد ماه) برگزار می شود.



**معرفی برنده جایزه بزرگ هفته منتقدان کن**

«سیمون کوهستان» به کارگردانی فدریکو لویس که اولین فیلم بلند اوست، جایزه بزرگ هفته منتقدان کن ۲۰۲۴ را دریافت کرد. مهر ضمن اعلام این خبر به نقل از روایتی نوشت، این فیلم که محصول آرژانتین، شیلی و اروگوئه است، با بازی لورنوزو توتو فرود در نقش سیمون ۲۱ ساله ماجرای پسری تنهاست که با گروهی از بچه های ناتوان همراه می شود. فدریکو لویس با پذیرفتن این جایزه گفت: «من منتها به معنای این جایزه برای ما، بلکه به معنای این برای مردم آرژانتین نیز فکر می کنم و اینکه تلاش خواهند کرد تا فیلم های داخلی بیشتری بسازند.» سیلو پیلات، رئیس هیئت داوران بخش هفته منتقدان از این فیلم به عنوان اثری سخاوتمندانه یاد کرد که هم به شخصیت خود، هم به بیننده احترام می گذارد. بخش هفته منتقدان که تنها آثار اول یا دوم کارگردانان را به نمایش می گذارد، امسال شصت و سومین دوره خود را به موازات بخش رسمی و بدون نمایش فیلمی از ایران برگزار کرد.



**فرمان مرادی درگذشت**

فرمان مرادی، سازنده پیشکسوت سازهای ایرانی روز چهارشنبه دوم خردادماه پس از یک دوره بیماری درگذشت. ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت، مرادی زاده پنجم خردادماه ۱۳۲۶ در کرمانشاه بود. او فعالیت های هنری خود را سال ۱۳۴۹ در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی آغاز کرد و بعدها سرپرست و مدرس کارگاه سازسازی این مرکز شد. او چندین نوع ستار، تنبور، کمانچه و تار طبق الگوی هنرمندان قدیمی پایه صورت ابتکاری ساخت. او در سازسازی از راهنمایی های هنرمندانی چون داریوش صفوت، احمدعبادی، سعید هرمزی، یوسف فروتن، علی اصغر بهاری، علی تجویدی، فرهنگ شریف و... بهره برد. او همچنین عضو هیئت مدیره کنون سازندگان ساز خانه موسیقی بود. او کنایی نیز با عنوان «سوز و ساز عشقی» (در باره هنر و زندگی محمد نوابی) تألیف کرده که توسط نشر تصنیف منتشر شده است. مرادی در سال ۱۳۷۲ با رتبه ۵ سازسازی و ۲۳ سال سابقه کار در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی بازنشسته شد.

کارنامه  
اندیشمند



**روی کرد موحد**  
**حقوقی و منصفانه بود**

**گفت وگوبا احمد بنی جمالی**  
**درباره کتاب چهارجلدی «خواب آشفته نفت»**  
**به مناسبت ۱۰ سالگی استاد محمدعلی موحد**

عکس: تابستا



**فرزاد نعمتی**

خبرنگار گروه فرهنگ

دوم خرداد ۱۴۰۳ استاد محمدعلی موحد ۱۰ ساله شد. عمر پرپرکتش دراز باد. یکی از مهمترین آثار پژوهشی استاد موحد در حوزه تاریخ معاصر ایران، اثر چهارجلدی «خواب آشفته نفت» است. جلد نخست این کتاب «از قرارداد داری تا سقوط رضاشاه» را شامل می شود، دو جلد بعدی «دکتر مصدق و نهضت ملی ایران» نام دارد و در جلد چهارم «از کودتای ۲۸ مرداد تا سقوط زاهدی» مورد بررسی قرار می گیرد. ترتیب انتشار این اثر البته با شماره فعلی مجله ها منطبق نیست؛ چه موحد نخست جلدهای دوم و سوم فعلی را در سال ۱۳۷۸ منتشر کرد و جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی را نیز به دلیل نگارش همین دو جلد دریافت کرد. بعدتر دو جلد اول و چهارم نیز به این دو جلد اضافه شدند. درباره اهمیت و مباحث طرح شده در این اثر با احمد بنی جمالی عضو هیئت علمی علوم سیاسی دانشگاه آزاد کرج و نویسنده کتاب مشهور «آشوب» به گفت وگو نشستیم. بنی جمالی در این کتاب کوشید «مطالعاتی در زندگی و شخصیت دکتر محمد مصدق» داشته باشد و چنانچه حاتم قادری نیز در مقدمه آن متذکر شده است، به دور از دلبستگی عاطفی و اسطوره سازی های شایع به این شخصیت مهم تاریخ معاصر ایران نزدیک شود. به همین دلایل هم «آشوب» از باب توجه به زندگی شخصی و وجه روانشناختی مصدق مورد توجه فراوانی قرار گرفت. در ادامه ارزیابی بنی جمالی از «خواب آشفته نفت» تقدیم خوانندگان خواهد شد.



نگاه اینگونه القای شود که مصدق به واسطه روحیه لجوجی که داشته یا به خاطر وجیه الملکی که در پی آن بوده است، چندان به پیشنهادی بالنسبه مناسب نیز واقعی نمی نهاده و در امر مذاکره چندان جدی نبوده است. برخی البته در مقام دفاع از مصدق می گویند پیشنهادهایی که به مصدق می شد، چندان قانع کننده نبودند. به نظر می رسد از نظر موحد چنین

نیست و او می گوید، مصدق قصدش برای مذاکره جدی بوده است. باتوجه به اینکه شما نیز در کتاب «آشوب» به وجوه روانشناختی شخصیت مصدق توجه داشته اید. به نظرتان باید روحیه شخصی مصدق را متغیر مهمی در معادله بحران نفت قلمداد کرد یا نه؟ و نظرتان درباره پیشنهادهایی که به مصدق شد و نوع واکنش مصدق چیست؟

استاد موحد به خوبی توضیح می دهند که برخی پیشنهادها می توانستند پیشنهادهای خوبی باشند که مصدق البته نپذیرفت. از نظر موحد پیشنهاد بانک جهانی یا به خصوص پیشنهادی که آمریکایی ها بعد از ۲۰ تیرماه ۱۳۳۱ ارائه دادند پیشنهادهای خوبی بودند. موحد با به درستی اشاره می کند که نپذیرفتن این پیشنهادها دو دلیل عمده داشت: اول، شناخت دقیق نداشتن از نظام اقتصاد جهانی و بازار انرژی. به واسطه نبود این شناخت تصور مصدق این بود که دنیا و اقتصاد انرژی دنیا وابسته به نفت ایران است و با توجه به وضعیت پیش آمده، کشورهای خارجی ناچار هستند که با ایران وارد مذاکره و لابی شوند. موحد به درستی می گوید که چنین نبوده و این تصورات مبنای درستی نداشته است. نکته دوم مورد توجه موحد، به نقش ویژه مشاوران مصدق مانند دکتر کاظم حسینی توجه دارد. مصدق اعتقاد خاصی به کاظم حسینی داشت. حسینی ریاضیدان و مهندس بود و چیز زیادی هم از اقتصاد انرژی نمی دانست. مصدق اما اعتقاد داشت او از اولیا الله است و شأن قدسی برای او قائل بود. نوع اعتقاد مصدق به حسینی، آدم را به یاد اعتقاد احمدی زیاد به مشایخی می اندازد. حسینی مشاور اصلی مصدق بود و باعث شد که مصدق پیشنهادهای نفتی را نپذیرد. نکته سوم مورد توجه محمدعلی موحد توطئه هایی است که حزب توده انجام می داد. هر زمانی که هیئتی به ایران می آمد، حزب توده بلوایی به راه می انداخت؛ همان چیزی که آنها را به «توده نفتی» شهرت داد. میتینگ هایی علیه مصدق راه می انداختند و مصدق هم طبعاً جا می زد. برای مصدق

و جاهد بسیار مهم بود و این لزوماً چیز بدی هم نیست. سیاستمداران بسته به مسائلی که آنها را وارد سیاست کرده است، حساسیت های خودش را دارند. مصدق هم تمایل نداشت که موقعیت خود را از دست بدهد. به همین دلایل مذاکرات همواره بی نتیجه باقی ماند. **مؤحد نگاه تمجیدآمیزی به جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران دارد و آن را «شاهنامه آزادی» می نامد. از این منظر اثر موحد در مقایسه با آثاری که به خصوص امروزه مصدق را به تندری تقدیم می کنند، اثری تمجیدآمیز از مصدق است.**

نه. به نظر من اینگونه نیست و بسیاری نقدهایی جدی به موحد در این زمینه داشتند. به طور مشخص افرادی که عضو جناح چپ جبهه ملی بودند یا توده ای های خارج از کشور، معتقد بودند که مصدق کار بسیار درستی انجام داده که به امتیازات نفتی راه نداده است. این گروه از موحد هم انتقاد می کردند که چرا به مصدق انتقاد می کند و می گوید مصدق می توانست مذاکرات نفت را به سرانجام برساند و نرساند. اصلاً حسن این کتاب موحد همین است که منصفانه است. نمی گویم بی طرفانه است، زیرا بی طرفی در روایت تاریخی معنایی ندارد. مگر می شود ذهن بی طرف باشد؟ به قول فلاسفه همه ما وجهی التفاتی داریم و اسناد و مدارک را به نحوی گزینش و پس و پیش می کنیم که آن پیرنگ کار در جهت توضیح و توجیه ایده اولیه مان باشد. حال برخی البته این ویژگی مثبت را نیز دارند که به اسناد و مدارک ناقص ایده اولیه هم توجه می کنند. استاد موحد از این دسته افراد است و به همین دلیل موفق شده قضایای منصفانه از عملکرد مصدق داشته باشد. به همین دلیل وجه ارزشمند کتاب موحد را همین نگاه منصفانه او نقدهایی می داند که به مصدق دارد. برای نمونه شما را از جاع می دهم به نوشته های کسانی چون خسرو شاکری. این چپ های نزدیک به جبهه ملی با انتشار کتاب موحد به شدت به نویسنده کتاب حمله کردند و بعدها نیز که من کتاب «آشوب» را نوشتم، یکی از نقدهایی که به آن کتاب شد همین بود

شکر فروشی آینی است. مزومه این ابیات، حقا که خاصیت شکر دارد. همچون نقلی که در گوشه دهان بخایی، جان آدم را شیرین می کند. مولانا بارها بر این معنا که معنای معناها در نزد اوست تأکید کرده. حقیقت، انفسی و متعلق به جهان درون است. سرچشمه شادی های حقیقی را باید در جهان درون جستجو کرد. شادی ها و شیرینی هایی که وابسته به عوامل بیرون است به اقتضای سرشت ناپایدار جهان، همواره در معرض زوال و آفت است. خیلی فرق است بین کسی که از بیرون و به واسطه امور بیرونی شیرین است و آن کس که جان او از درون، شیرین است. شادی های بُرُسته کجا و شادی های بُرُسته کجا؟ آنچه از درون جان چون چشمه ای می جوشد کجا و آنچه از بیرون همچون آب ناپودان، که عاریت است و گاهی هست و گاهی نیست، نصیب انسان می شود کجا؟ باری از مقصود دور نیستیم، نمی دانم چرا آقای کریم زمانی در شرح جامع مثنوی خود، بیت نخست را به صورت پرسشی خوانده و لاجرم معنایی ارائه داده که قدری تکلف آمیز می نماید و به دور از مقصود مولانا. آقای محمد شریفی در کتاب «نردبان آسمان» که گزارش کاملی است از مثنوی به نثر، ظاهراً در این ابیات، نگاهی به دست آقای زمانی داشته و دچار همین لغزش در قرائت شده است. در هر حال، شرح مثنوی آقای زمانی از این گونه لغزش ها کم ندارد. حقیقتاً این اثر پس از این همه سال و تجدید چاپ های مکرر، نیاز به ویرایش و بازبینی جدی و اساسی دارد. به ویژه از لحاظ بی دقتی در به کارگیری علائم نگارشی که در مواقعی خواننده را در خوانش صحیح ابیات به زحمت انداخته یا دچار خطا می کند. آیا وقت آن نرسیده اثری که این همه با اقبال دوستداران مولانا مواجه شده، و الحق سزاوار چنین اقبالی هم بوده، بدون غلط های تایپی و نگارشی فاحش، در دسترس علاقمندان قرار گیرد؟

**در اهمیت یک واو**

در اهمیت تصحیح علمی متونی چون مثنوی، مایلیم این نوشته مختصر را با نقل خاطره ای از استاد شعبی کدکنی به پایان رسانیم. یکبار در کلاس درس سه شنبه هایش در اهمیت و ضرورت تصحیح متن سخن با ما دانشجویمان می گفت. در این معنا کلام ایشان به جایی رسید که گفت: اهمیت و ضرورت تصحیح در

صوری و جمال شناختی اثر ایشان است اشاره کنم. نخست، رعایت سطرهای سپید و فاصله گذاری مناسب میان بیت یا ابیاتی است که از لحاظ محتوایی و معنایی در طیف واحدی جای می گیرند و بدین سان، از ابیات دیگر تمایز می یابند. امتیاز این شیوه از لحاظ بصری و زیبایی شناختی در مقایسه با روشی که ابیات را بی هیچ فاصله ای در توالی و پشتپشت هم می آورد، این است که بر شوق و رغبت خواننده می افزاید و مانع از ملال و خستگی زود هنگام او می شود. از لحاظ محتوایی و معنایی نیز این روش، انسجام بیشتری به کلام مولانا می دهد و مجال درنگ و تأمل افزون تری را برای مخاطب به ارمغان می آورد. امتیاز دیگر مثنوی چاپ استاد موحد، حرکت گذاری و همین طور نشانه گذاری درست توأم با اعتدال است، به گونه ای که امکان خوانش بهتر و آسان تر متن را فراهم می آورد، نه آنکه مخل و مزاحم حصول آن شود. علائم نگارشی در حد یک وزیرگول اگر در موضع درست خود به کار نرود ممکن است دریافت پیام و معنای متن را به تأخیر، تعویق و تعلیق اندازه و گاهی هم باعث کژخوانی و بدفهمی متن مغایر با نیت مؤلف شود.

**لزوم بازبینی شرح مثنوی استاد کریم زمانی**

از این حیث، اگر بخواهیم مقایسه ای گذاریم میان این اثر و علامت گذاری ابیاتی که در شرح مثنوی ارزشمند استاد کریم زمانی آمده است انجام بدهیم، درمی یابیم که ابیات شرح مثنوی جناب زمانی تا چه اندازه مقرون به خطا، ایراد و اشکال است و جا دارد پس از سال ها تجدید چاپ، این اثر گرانتقد مورد بازبینی جدی و اساسی قرار بگیرد. اجازه بدهید با یک مثال روش کنم که نشانه گذاری بجا و درست متون ادبی کهن به ویژه متون شعری، تا چه اندازه می تواند در دریافت معنای متن واجد اهمیت باشد. این ابیات از دفتر اول مثنوی، تصحیح استاد موحد را بنگرید: چون تو شیرین از شکر باشی، بُود / کآن شکر گاهی ز تو غائب شود / چون شکر گردی ز بسیاری وفا / پس شکر کی از شکر باشد جدا / / عاشق از خود چون غذا باید ز حقیق / عقل آنجا گم شود گم، ای رفیق! (دفتر اول مثنوی، چاپ استاد موحد، ابیات ۱۹۸۸ به بعد). دوستداران مولانا می دانند که او در شکر بخشی و

**باغبان مثنوی**

مثنوی استاد موحد در یک نگاه



**ایرج رضایی**

پژوهشگر ادبیات و مدرس مثنوی

چند روزی است که توفیق یافته ام تا قرائت و بلکه تلاوت مثنوی حضرت خداوندگار را به تصحیح استاد موحد آغاز کنم. با چنان ذوق، اشتیاق و طراوتی که پنداری اولین بار است که مثنوی را در دست گرفته و به دنیای فراخ، طربناک و رازآلود آن راه می یابم. اگر پیش از این عنوان «باغبان مثنوی» را برای ایشان با وجود مثنوی به تصحیح استاد نیکلسون کمی مبالغه آمیز می یافتم، اکنون این لقب را از هر حیث برارنده ایشان می بینم. اگر چه همه می دانیم که «مادح خورشید مداح خود است» و استاد موحد هیچ نیازی به این گونه القاب و عناوین ندارد. اکنون می توان با خیالی آسوده، موحد را هم در کنار نیکلسون، از باغبانان بیدار و سختکوش مثنوی به شمار آورد. حال می توان مدعی شد که زحمات و مساعی ۲۰ ساله استاد نیکلسون به حد کمال خود رسیده یا بسیار به حد کمالش نزدیک شده است. دست مرزبان ای استاد والا و یگانه و ای انسان مهربان فرشته خوی کیمیاکار! نیکا معلما که تویی ما را.

بنا ندارم بی استقصایی تام و تمام، بدون آنکه از دانش و صلاحیت کافی برخوردار باشیم، در اهمیت تصحیح ایشان سخن بگویم. اظهار نظر در این باب را باید به دانشوران نکته سنج و کاربلدان اهل فن واگذار کرد. فقط مایلیم در مقام یکی از پُر شمار عاشقان مولانا و زبان و ادب فارسی به دو نکته که در پیوند با مزیت های